

کنگره جهانی کار کودکان کارگر، دادخواستی علیه نظام سرمایه داری و فراخوانی به بشریت

اولین کنگره جهانی کار کودکان کارگر در روزهای ۱۳-۱۰ ماه مه در شهر فلورانس ایتالیا با شرکت ۲۵ کودک کارگر نماینده از کشورهای، آفریقا، آمریکا، آمریکای لاتین و آسیا و ۱۴۷ کودک همراه - که در مجموع از ۵۰ کشور جهان گرد آمده بودند - برگزار شد. این کنگره تا آنجا که به بیان حق طلبانه کودکان کارگر شرکت کننده برمی گردد، بی شک یکی از شورانگیزترین تظاهرات کارگران و تهری دستان علیه برده داری سرمایه در جهان معاصر است.

پیشینه

مقوله کار کودک و استثمار وحشیانه کودکان و تراژدی کار کودکان به دنبال حیات کوتاه و تلاش های پر ثمر "اقبال مسیح"، کودک کارگر ۱۲ ساله پاکستانی، و مرگ دلخراش وی به دست عوامل سرمایه در افکار عمومی بین المللی انعکاس یافت و برای اولین بار پرده از روی جنایتی که علیه اسپارتاکوس های کوچک قرن ما می رود، کنار کشیده شد. پروسه ای نه ساله از آن هنگام تا تشکیل این کنگره طی شده است، که رژه جهانی کودکان علیه کار بردگی و پر مخاطره در سال های ۹۸ و ۹۹، تصویب کنوانسیون منع کار پر مخاطره کودکان، سمینارها، کنفرانس ها، سازماندهی ها و تلاش های بی شمار دیگر از ویژگی های این حرکت اند.

شرکت کنندگان

در این کنگره، جدا از کودکان کارگر، کودکانی که برای امر هم سن و سالان شان تلاش و فعالیت می کنند هم به منظور حمایت و همراهی آنان حضور داشتند. جدای از کودکان و سازمان های مدافع حقوق کودکان، نمایندگان یونسکو، یونیسف، سازمان جهانی کار، فدراسیون اتحادیه های آزاد، نمایندگان اتحادیه های کارگری، وزیران کشورهای مختلف، و نماینده بانک جهانی نیز به این کنگره به منظور پاسخ گوئی به سوالات کودکان دعوت شده بودند. سوال های واقعی و محکم کودکان درباره علل وجود کار کودک و بی عملی این بزرگ ترها در این باره، شورانگیزترین و گرم ترین بخش این کنگره بود.

جنبش لغو کار کودک

گلوبال مارش یا رژه جهانی علیه کار کودک، یکی از زنده ترین جنبش های اجتماعی موجود است. به همان نسبت که استثمار وحشیانه از بردگان ارزان در عرصه های اقتصادی بیشتر می شود، به همان نسبت که از حقوق و مزایای اجتماعی طبقه کارگر کاسته می گردد و کارگران بیشتر و بیشتر بیکار می شوند، به تعداد کودکان کارگر، از کارگران کوچک معادن و کارخانه های بزرگ صنعتی گرفته تا فروشندگان خیابانی افزوده می گردد.

کودکان کارگر در طول این کنگره با بیانی روشن در توضیح وضعیت کار و زندگی شان، بارها و بارها بر این واقعیت تکان دهنده تاکید نمودند.

جنبش لغو کار کودک به مثابه یک جنبش عمیق و تا مغز استخوان طبقاتی و به معنی یک جنبش وسیع اجتماعی که گرایشات مختلف اجتماعی را در خود جای داده است، دوران حساسی از سرنوشت خود را طی

می کند. این جنبش در غیاب یک حمایت رادیکال و سوسیالیستی در معرض خطر تبدیل به زائده برنامه های نیم بند و بی تاثیر خود مسبب فاجعه کار کودک، مثل بسیاری از NGO های موجود، است. مسئله کودکان یکی از حساس ترین و عاطفه برانگیزترین معضلات و پدیده های اجتماعی دنیای معاصر است و درست به همین دلیل از آن سوء استفاده های فراوانی صورت گرفته و می گیرد. کسانی که برای امر کودک تلاش می کنند، علی رغم دلسوزی و وابستگی عاطفی اکثریت مردم به این پدیده، متاسفانه زیاد نیستند. اما آن ها که به نام کودکان از کودکان سوء استفاده می کنند، بی شمارند. فقط هم سرنوشتان این کارگران کوچک و بردگان ارزان اند که می توانند و باید در صف مبارزه علیه کار کودک، پیشاپیش این خردسالان حرکت کنند: سوسیالیست ها، کارگران و جنبش کارگری. طبعاً مقوله کودک، اشک و رقت بسیاری از افراد را در می آورد، و انسان های شریف و آزاده زیادی هم هستند که می خواهند به کودکان کمک کنند، اما در جنبش لغو کار کودک، این هم سرنوشتان کودکان هستند که بایستی سهم بیشتری به عهده بگیرند و یا اصولاً ادای سهم کنند.

نکته جالب این کنگره آن بود که کودکان در قطعنامه پایانی کنگره از حقوق کارگران صحبت می کنند و خواستار تشکل، بیمه و وسایل ایمنی محیط کار برای کارگران می شوند. اما متقابلاً کمتر بخشی از جنبش کارگری، به مقوله کار کودک بعنوان یک جز، لایتجزای مبارزه برای دستیابی به حقوق و جلوگیری از اخراج و بیکاری خود، حرفی زده نموده است.

فضای حاکم بر کنگره

کنگره ای که بخشی و بخش مهمی از موجودیت اش را مدیون زندگی و فعالیت اقبال مسیح و جنبه دلخراش و افشا کننده مرگ این نماینده صریح بیان کودکان کارگر بود، حتی یادی از اقبال نکرد. انتظار من این بود که این کنگره با یک دقیقه سکوت به یاد اقبال برگزار می شد، نه از سر فرهنگ شهید پروری و قهرمان سازی مرسوم، بلکه به دلیل یادآوری عمق فاجعه و جنایات سرمایه داری و ضرورت حمایت و پشتیبانی از این بردگان خردسال.

از اقبال مسیح حرفی به میان نیامد تا چهره بزرگ کرده نمایندگان دولت ها گرد نگیرد؛ تا جدی بودن و جنبه «جنگ رو در رو» داشتن این حرکت عیان نشود. تا جنبه مسیح وار سرمایه دار بخشنده و صدقه پرداز و مهربان دولت های نازنینی که می خواهند، اما گویا به دلیل مشکلات عدیده، توان ریشه کن کردن کار کودک را ندارند، برجسته شود! و مورد انتقاد بیش از این قرار نگیرند!

برخورد کشور میزبان ایتالیا

دولت ایتالیا با عدم صدور ویزا برای ۲۵۰ کودک کارگر نماینده به بهانه "ریسک امنیتی داشتن حضور این کودکان برای دولت ایتالیا" و صدور ویزا برای فقط ۲۵ کودک نماینده از آسیا، آفریقا و آمریکای مرکزی، خود بخود ماهیت شرکت این نهادها و دولت ها را از یک طرف و جنبه جنگ و دادخواست واقعی حرکت کودکان علیه این نظام را از طرف دیگر بیان کرد.

سوال های کودکان و جواب های نمایندگان دولت ها و سازمان های جهانی

استدلال‌های صریح و کوبنده کودکان در مقابل طفره روی‌ها و توجیحات متعارف: کار کودک را مقوله‌ای فرهنگی خواندن و به سنت خانواده‌ها نسبت دادن، که از سوی میزگرد بزرگ‌ترها – که وزرا و نمایندگان رسمی کشورها بودند – افشاگرانه‌ترین و جالب‌ترین بخش کنگره بود.

اشک‌های تمساح خانم نماینده بانک جهانی با سکوت و بیانات وزیر رفاه ایتالیا نیز با هو کردن و تمسخر و همه‌کنگره همراه بود.

آخرین کلام

این کنگره نه تنها نشان دهنده واقعیت تلخ کار کودک بود، بلکه این حقیقت دلخراش را نیز در خود مستتر داشت که این کارگران کوچک و بردگان ارزان، نه تنها استعمار می‌شوند، بلکه مسئولیت دفاع از حقوق‌شان هم به عهده خودشان قرار گرفته است. و این خود نقض قرض است. – در اینجا منظور حرکت گلوبال مارش به عنوان یک ضرورت تاریخی نیست، بلکه رسمیت دادن به فعالیت کودک برای امر خویش از طرف سازمان‌ها و نهادهای ذیربط است. – این جامعه بزرگ سال است که باید برای الغای کار کودکان بکوشد. این جامعه بزرگ سال است که مسئول و موظف است که از کودکان نگه‌داری کند. گوش فرا دادن به نیازها و نظرات کودکان در زمینه‌های مربوط به آن‌ها، با به کار گرفته شدن آنان حتی در زمینه مبارزه علیه کارشان فرق می‌کند. این جا هم فرهنگ بزرگ سال و جامعه پدرسالار، مثل قربانیان هر تبعیض و بی‌حقوقی دیگری در جامعه چون کارگران و زنان، مسئولیت تلاش را بر عهده خود قربانی گذاشته است. تبدیل کردن این کنگره‌ها به محلی برای ذکر مصیبت و تقاضا از دولت‌ها، در عوض شدت بخشیدن به توان این جنبش از پائین، خطری است که جنبش لغو کار کودک را تهدید می‌کند. با حضور فعال و زنده نگه داشتن این جنبش می‌توان به رفقای کارگر کوچک‌مان در امر مهم‌شان برای از بین بردن کار کودک کمک کرد و اجازه نداد که این حرکت به مجموعه‌ای از بحث‌های از بالا، و مجموعه‌ای از قرارها برای عمل نکردن، تبدیل شود.

«جمعیت الغای کار کودکان در ایران» به سهم خود از تمامی شما دعوت می‌کند که به این جنبش بپیوندید. گزارش کامل کنگره و مصاحبه با کودکان متعاقباً به اطلاع خواهد رسید.

سوسن بهار

دبیر «جمعیت الغای کار کودکان در ایران»

۲۰ مه ۲۰۰۴

suzanbahar@hotmail.com